

## «مطالعات جامعه‌شناسی»

سال هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۳

صص ۹۵-۱۱۴

# بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ نسبت به تفاوت ارزش‌های اجتماعی آنان با والدین در رابطه با خانواده و ازدواج

دکتر داود ابراهیم‌پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۷

## چکیده

در دهه‌های اخیر به موازات تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در جامعه ایران روی داده، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. تغییرات به وجود آمده در زمینه شیوه‌های همسریابی و ازدواج جوانان، از جمله مواردی است که بسیاری از خانواده‌ها را با مسائل متعددی مواجه ساخته است. در نتیجه شناخت الگوهای جامعه‌شناختی ازدواج می‌تواند حائز اهمیت باشد. هدف تحقیق حاضر، شناخت تفاوت در نگرش‌های دانشجویان و والدین در زمینه ارزش‌های خانواده و ازدواج است. روش تحقیق در مطالعه حاضر پیمایشی و توصیفی است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. برای این منظور بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی، آزمون مقدماتی آن و تهیه پرسشنامه نهایی اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شده است. جامعه‌آماری تحقیق حاضر، دانشجویان واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد که تعداد آن‌ها حدود ۹۶۰۰۰ می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق، بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد خصوصیات همسر خوب، نحوه انتخاب همسر، سن مناسب برای ازدواج، میزان تفاوت سنی پسر و دختر در زمان ازدواج، معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج، میزان پذیرش اظهارنظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج، میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج، نگرش نسبت به نوع اقتدار در خانواده، میزان اهمیت فرزند در خانواده، تعداد مطلوب فرزندان، و میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج تفاوت وجود دارد. بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد نگرش نسبت به مکان مناسب برای زندگی پس از ازدواج، جنسیت مطلوب فرزندان و اشتغال زن در بیرون از خانه تفاوت وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** تفاوت نسلی، شکاف نسلی، ارزش‌های خانواده و ازدواج، فرزندان و والدین.

۱. عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

## مقدمه

تفاوت در نظام ارزشی والدین و فرزندان که به نوعی شکاف نسلی را آشکار می‌سازد، مسئله مشترک جهان معاصر به ویژه جوامعی مانند کشور ما ایران است که به سرعت تحول می‌یابد. «از مظاهر مهم این شکاف تغییر موقعیت اجتماعی نسل جوان معاصر به شکلی بی‌سابقه است. کاهش روزافزون تاثیر سنت، میراث و اقتدار جامعه بزرگ‌سالی بر نسل‌های جوان‌تر در اثر افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی و جهان مدرن در مقابل ناتوانی و عدم مهارت نسل‌های سالمند و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود با تحولات پرشتاب و پیچیده‌ی عصر جدید از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل‌های جوان معاصر به شمار می‌روند» (توکل و دیگری، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶).

خانواده ایرانی طی سده‌های اخیر در مقایسه با سده‌های گذشته تغییرات عمده‌ای یافته است. از عمده‌ترین تغییرات ایجاد شده در خانواده ایرانی بالا رفتن سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش بعد خانوار، آزادی انتخاب همسر، ممنوعیت انتخاب همسر دوم برای مردان، امکان ارائه دعوی زنان برای طلاق، مشارکت بیشتر زنان در حوزه سیاسی به دلیل اهمیت رای هر فرد در انتخاب شدن داوطلبان و امکان ورود زنان در آموزش و مشاغل جدید است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۷۲).

همزمان با این تغییرات، ارزش‌های خانواده ایرانی نیز طی سال‌های اخیر در حال تغییر است که یکی از عوامل آن جوانی جمعیت و رشد تعداد افراد واقع در نسل میانی و تبلورش در نسل جوان است. جامعه ایرانی صاحب خصوصیات خاصی است و به تبع آن جوانان نیز در چنین جامعه‌ای دارای ویژگی‌ها و حقوق و تکالیف ویژه‌ای هستند، که تحت نظارت خانواده بودن و از نظر فکری و رفتاری تا حدی تابعی از افکار و تصمیمات خانواده و والدین بودن از خصوصیات بارز آنان است. در حالی که در غرب جوان فردی بیرون افتاده از خانواده و تا حد خیلی زیادی آزاد است که تصمیماتش را خودش می‌گیرد. با توجه به این که، نهاد خانواده اثرگذارترین نهاد در نظام اجتماعی است و نحوه رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد در سنین بزرگسالی تا حد زیادی ریشه در نحوه جامعه‌پذیری آنان در دوران کودکی و نوجوانی در این نهاد دارد، می‌توان گفت الگوهای کنشی کنشگران اجتماعی برگرفته از الگوهای رفتاری و تربیتی بزرگسالان و والدین خانواده‌هاست.

هر الگوی تربیتی و رفتاری که از سوی والدین خانواده‌ها به فرزندان در جریان جامعه‌پذیری انتقال می‌یابد، دربرگیرنده یک الگو و نظام فرهنگی خاصی است که در درون این نظام فرهنگی عناصر بسیار زیادی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مربوط به جنبه‌های مختلف رفتارهای اجتماعی وجود دارند، که راهنمای عمل فرزندان به عنوان کنشگران اجتماعی آینده می‌باشند و مطالعه آن دسته از ارزش‌هایی که در رابطه با خود نهاد خانواده و نیز چگونگی ساخت‌یابی این نهاد می‌باشند، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. چرا که برای جلوگیری از تغییرات اجتماعی و فرهنگی سریع و گاه غیرقابل کنترل که می‌تواند

اوضاع ارزشی و فکری جامعه را عمیقاً دگرگون کرده و جامعه از توان کافی برای کنترل آن برخوردار نباشد باید عوامل اثرگذار بر تفاوت و شکاف بین دو نسل بزرگسال و جوان از جهات مختلف را شناخت و با طراحی و اجرای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی، روند تغییرات در این زمینه را مدیریت کرده و در جهت مطلوب هدایت کرد.

احساس مطابقت فکری درباب این مقوله‌ها، درمیان افراد مورد بررسی و والدین آنان و این‌که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ نگرش مثبتی نسبت به وجود همسانی زیاد بین افکار خود و والدین‌شان در این موارد داشته باشند (در عین وجود میزانی از اختلاف که امری طبیعی است)، بیانگر عدم وجود شکاف نسلی خواهد بود. به هر میزان که افراد مورد بررسی احساس کنند که در این مقوله‌ها، بین نگرش‌های آنان و والدین‌شان تفاوت وجود دارد، به همان میزان از افکار و نظام ارزشی نسل گذشته دور گردیده و این دوری موجبات شکاف و گسست نسلی را در جامعه فراهم خواهد کرد که نتیجه به وجود آمدن این شکاف و گسست، تغییر در اجزای نظام فرهنگی، ناهمخوانی فرهنگی و بروز مسائل و آسیب‌های اجتماعی در سطح خانواده و پس از آن در سطح جامعه خواهد بود.

تحقیق حاضر درصدد آن است که، با شناخت نقاط اختلاف و تفاوت در نگرش‌های دانشجویان (با توجه به این‌که این گروه شامل افرادی است که با توجه به داشتن تحصیلات بالای دانشگاهی و قرار گرفتن در محیط‌های علمی و آموزشی و فراهم بودن زمینه برای ایجاد تفاوت فکری و ارزشی با والدین خود به لحاظ آشنایی آن‌ها با مسائل جامعه مدرن) و والدین (که عمدتاً افرادی هستند که به دلیل تاثیرپذیری کم و یا عدم تاثیرپذیری از رویه‌های مدرن جامعه در حالتی ایستا و عمدتاً سنتی قرار دارند) در زمینه یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند به عنوان عامل اساسی شکاف نسلی و در نتیجه فروپاشی اجتماعی و فرهنگی عمل کند، شرایطی را فراهم نماید که مدیران فرهنگی و سیاست‌گذاران اجتماعی با مداخله در آن، بتوانند با کم کردن شکاف‌ها و تفاوت‌های این دو نسل، زمینه را برای انسجام فکری و فرهنگی بیشتر در جامعه ایران فراهم نمایند.

در جامعه ایران طی سال‌های اخیر، توجه زیادی به بررسی این روابط به ویژه در سطح خرد (روابط بین‌نسلی در سطح خانواده در نقش‌های والدین- فرزند) معطوف گردیده است. بخشی از این مطالعات در حیطه شناخت تفاوت‌های نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در حوزه ارزش‌های اجتماعی صورت گرفته و پژوهش حاضر نیز برای بررسی این مساله در حوزه ارزش‌های اجتماعی مرتبط با خانواده و ازدواج انجام شده است.

### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: بین نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ و والدین آن‌ها از دیدگاه دانشجویان در رابطه با ارزش‌های خانواده و ازدواج تفاوت وجود دارد.

### فرضیه‌های فرعی

- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد خصوصیات همسر خوب تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد نحوه انتخاب همسر تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد سن مناسب برای ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد میزان تفاوت سنی پسر و دختر در زمان ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد نگرش نسبت به مکان مناسب برای زندگی پس از ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد میزان پذیرش اظهار نظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد نگرش نسبت به نوع اقتدار در خانواده تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد میزان اهمیت فرزند در خانواده تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد تعداد مطلوب فرزندان تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد جنسیت مطلوب فرزندان تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد اشتغال زن در بیرون از خانه تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد تعدد زوجات تفاوت وجود دارد.
- بین نگرش دانشجویان و والدین آنان در مورد میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج تفاوت وجود دارد.

### مبانی نظری

درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی<sup>۱</sup> شده است. تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها، هنجارها و یا در نگرش‌ها، طبیعی بوده و تقریباً در همه جوامع و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر باز شناخته می‌شوند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۸۶؛ به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۶). اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا گسست نسلی به کار برده می‌شود و آن

<sup>۱</sup> Generation Difference

عبارت است از: اختلافی در ارزش‌ها، هنجارها و یا نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردنکشی و طغیانگری می‌پردازند (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

گسست نسلی در خانواده میان پدر، مادر و فرزندان به معنی عدم تبعیت کامل فرزندان از پدر و مادر و تغییر گروه مرجع جوانان است. در پدیده گسست نسل‌ها نوعی اختلال در تبعیت فرزندان از والدین به وجود می‌آید؛ به این معنا که فرزندان برای همانندسازی، فرد دیگری را جایگزین شخصیت پدر و مادر می‌کنند (شرفی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

«رایج‌ترین مفهوم به کار رفته درباره اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی است» (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۶). در فرهنگ آکسفورد، شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (آکسفورد، ۲۰۰۰). در فرهنگ وبستر، شکاف نسلی به عنوان اختلافی گسترده در خصلت‌ها و نگرش‌های میان نسل‌ها تعریف شده است (وبستر، ۲۰۰۴). گاهی نیز مفهوم شکاف نسلی، گسست نسلی و انقطاع نسلی به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. به هر حال، در تمایز این مفاهیم دقیقی ارائه نشده است. اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد، در حالی که منظور از شکاف نسلی وجود وجوه نازل‌تر چنین اختلافی میان نسل‌ها است. مفهوم گسست یا انقطاع نسلی کمتر در فرهنگ‌های لاتین دیده می‌شود، اما مفهوم شکاف نسلی هم در فرهنگ‌های مختلف و هم در عنوان مقالات بارها به کار رفته و رایج است. در مقاله حاضر بیشتر از این مفهوم استفاده شده است.

در مورد تفاوت‌ها و تشابهات نظام ارزش‌ها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بحث تفاوت در نظام ارزش‌ها که منجر به شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌گردد، دیدگاه‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده است. به اعتقاد بنگستون<sup>۲</sup> سه دیدگاه عمده در زمینه گسست نسلی وجود دارد:

۱. کسانی که معتقد به شکاف نسلی عمیق هستند.
  ۲. کسانی که وجود شکاف عمیق نسلی را یک توهم و خیال می‌دانند که به غلط وسایل ارتباط جمعی به مردم تحمیل کرده‌اند.
  ۳. کسانی که معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینی بین نسل‌ها هستند.
- طرفداران دیدگاه اول معتقدند که شکاف بین نوجوانان و بزرگسالان نسبتاً شایع و گسترده است. از نظر این گروه، فرهنگ غالب جوانان مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان است (از نظر پذیرش ارزش‌های غالب و مسلط). به عنوان مثال، مید<sup>۳</sup> معتقد است که الگوی فرهنگی جدیدی ظاهر شده است

1. Generation Discontinuity

2. Bengston

3. Mead

که در آن، دیگر الگوی مدل جوانان افراد معاصر نیستند. از این رو، جوانان پیشینیان را به عنوان مهاجران در زمان می‌نگرند که با زمان حاضر نآشنا، سازگاری یافته‌اند، ولی کماکان بقایای گذشته را حفظ کرده و می‌کنند. از سوی دیگر، جوانان زمان حاضر را می‌فهمند، زیرا به غیر از آن چیزی دیگر نمی‌شناسند. در نهایت، بین این دو قشر از لحاظ پذیرش ارزش‌ها و هنجارها تضاد روی می‌دهد و شدید می‌شود. در کل، این دیدگاه خیلی ذهنی و تئوریک و فاقد تایید تجربی است و نوعی فرض مقدم بر تجربه دارد. تضاد بین نسل‌ها ناشی از قبول ارزش‌های مختلف است که در نهایت نیز به تضاد رفتاری ختم می‌شود. در آن سوی طیف، متفکران اجتماعی دیدگاه دوم مانند: دیدگاه ریس<sup>۱</sup>، لوبل<sup>۲</sup>، لیپست<sup>۳</sup> و آدلتن<sup>۴</sup> بر این تاکید دارند که ارزش‌های جوانان اختلاف شدیدی با بزرگسالان ندارد.

این متفکران مدعی هستند درحالی‌که ممکن است جوانان و بزرگسالان دارای جدایی اجتماعی باشند، شکاف بین آن‌ها در اصل ارتباطی با قبول ارزش‌های اجتماعی ندارد، بلکه جدایی بیشتر در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی توصیه‌های هنجاری برای تحقق دادن به ارزش‌ها است. به عبارت دیگر، تضاد نسل‌ها بیشتر مربوط به آن ابزار به کار گرفته شده برای تحقق دادن به ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه است نه مربوط به قبول ارزش‌های مختلف. در حالی که تا حدودی برای قبول این دیدگاه تایید تجربی وجود دارد، ولی توماس<sup>۵</sup> معتقد است که هنوز یافته‌های تحقیقاتی چندان قطعی نیستند.

دیدگاه سوم معتقد است که تضاد اندکی بین نسل‌ها در مورد ارزش‌ها وجود دارد. در عین حال، طرف-داران این دیدگاه با فرضیه دیدگاه دوم موافق بوده و معتقدند که ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند. بنگستون در سال ۱۹۷۰ ذکر کرده است که مشکل این دیدگاه در این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند که این تفاوت‌ها کدام‌اند، چگونه به وجود می‌آیند و در آینده عواقب وجود چنین تفاوت‌هایی چه می‌تواند باشد (تیموری، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۷).

به نظر بنگستون، سه دیدگاه عمده درباره شکاف یا گسست نسلی وجود دارد: ۱. دیدگاهی که از وجود "شکاف بزرگ" حمایت می‌کند، ۲. دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند و ۳. دیدگاه سوم، دیدگاهی است بین دو دیدگاه پیشین و اعتقاد به وجود "گسست و تفاوت انتخابی" میان نسل‌ها دارد (بنگستون، ۱۹۷۰).

پیروان دیدگاه حمایت از وجود شکاف بزرگ، معتقدند این شکاف میان جوانان و بزرگسالان نسبتاً گسترش یافته است. در این دیدگاه، فرهنگ جوانی از فرهنگ مسلط بزرگسالان که بر مبنای قبول ارزش‌های رایج است، جدا شده و در مخالفت با آن قرار گرفته است از این نظر فرهنگ جدیدی را بر می‌گزینند.

<sup>1</sup> Reiss, 1968

<sup>2</sup> Labell, 1967

<sup>3</sup> Lipest, 1968

<sup>4</sup> Adelman, 1975

<sup>5</sup> Tomas, 1974

به طور کلی این دیدگاه ذهنی و فاقد داده‌های تجربی است، این دیدگاه نمی‌تواند توضیح دهد که چرا ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگسالان تمایز یافته است. استدلال اساسی آنان، مبتنی بر ستیز رفتاری جوانان در برابر بزرگسالان است و بر اساس این تفاوت رفتاری حکم به ارزش‌های متفاوت می‌کنند (روزاک، ۱۹۶۹؛ فریدن برگ، ۱۹۶۹ و اسلاتر، ۱۹۷۰).

نقطه مقابل این دیدگاه معتقد است، ارزش‌های جوانان (چندان که دیدگاه اول معتقد است) بی‌شباهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. اگرچه به نظر می‌رسد جوانان ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این "شکاف" تماماً ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت در میان جوانان ندارد. به نظر می‌رسد این جدایی ربطی مربوط به کاربرد وضعیتی مجوزهای هنجاری برای واقعیت ارزشی باشد. به عبارت دیگر، ستیز بین نسلی ناشی از وسایل به کار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته‌شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان (ادلسون، ۱۹۷۰؛ لیپست، ۱۹۶۸؛ لوبل، ۱۹۶۸ و ریز، ۱۹۶۸). اگرچه یافته‌های تجربی فراوانی در تایید این دیدگاه وجود دارد، اما توماس این یافته‌ها را کاملاً قانع‌کننده نمی‌داند (۱۹۷۴).

سومین دیدگاه یعنی "گسست و تفاوت انتخابی"، ستیز کم بین ارزش‌ها را می‌پذیرد. در عین حال مدافعان این دیدگاه با فرضیه "توهم شکاف" و القایی بودن شکاف نسلی موافق‌اند (کینستون، ۱۹۶۵؛ فلاکس، ۱۹۶۷؛ پارسونز، ۱۹۵۱؛ نادل، ۱۹۵۶ و مرتن، ۱۹۵۷). مشکل این دیدگاه از نظر بنگستون این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند این اختلاف‌ها چیست، چه طور ایجاد می‌شود و در آینده چه پیامدهایی دارد. اینگلههارت در کتاب خود تحت عنوان "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی" در مورد تفاوت سنی یا نسل‌ها چهار فرضیه اساسی را مطرح ساخته و درباره امکان یا عدم امکان شکاف یا گسست نسلی سخن گفته است (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۸).

۱. فرضیه چرخه زندگی یا سالخورده‌گی: براساس آن گفته می‌شود که تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه سنی مختلف، امری طبیعی و مربوط به اقتضات روان‌شناختی هر دوره‌ای از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره مربوطه و رفتن به گروه سنی دیگر، ارزش‌های پیشین در او به تدریج کم‌تر شده و ارزش‌های گروه سنی جدید را به خود می‌گیرد. با این وصف، اگر تفاوت‌هایی در میان جوانان با بزرگسالان در ارزش‌ها مشاهده می‌شود، در اقتضای شرایط سنی آنان است و با گذر از این شرایط و قرار گرفتن در شرایط سنی بزرگسالان، همان وضعیت بزرگسالان را پیدا می‌کنند و این چرخه همچنان در طی زمان به پیش می‌رود (اینگلههارت: ۹۰-۸۶).

۲. فرضیه دوره‌ای: بر اساس آن، تفاوت سنی با نسل‌ها به فرایند تدریجی تغییر ارزش‌ها در همه گروه‌های سنی با کمی تفاوت از یکدیگر مربوط می‌شود. بانجام اصلاحات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و تغییر شرایط زیست، به تدریج ارزش‌های همراه با آن نیز در کلیه افراد جمعیت محل تغییرات اساسی ایجاد می‌شود. البته افراد در مسیر این تحولات ارزش‌ها با توجه به نزدیکی و دوری از این تغییرات

دیرتر یا زودتر این تغییرات را به خو می‌گیرند. هم‌چنین از آن‌جا که شرایط گروه‌های سنی از نظر میزان پذیرش و انعطاف نسبت به تغییرات متفاوت است، بنابراین معمولاً جوانان نسبت به گروه‌های سنی بزرگسال زودتر در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند (همان: ۸۶).

۳. فرضیه گروه سنی: تفاوت سنی یا نسل‌ها را در واقع دگرگونی اساسی در ارزش‌های نسل‌های جدید با ارزش‌های نسل‌های پیشین تلقی می‌کند. در واقع، نسل جدید ارزش‌های کاملاً متفاوتی با نسل‌های قبل دارد و با گذشت زمان با ورود گسترده این نسل به عرصه‌های مختلف حیات اقتصادی و اجتماعی به تدریج فرایند جایگزینی ارزش‌های جدید به جای ارزش‌های نسل قبل انجام می‌شود (همان: ۸۶).

۴. فرضیه ترکیبی: بر اساس آن تفاوت سنی و نسلی، ناشی از چرخه زندگی، اقتضات سنی و تغییرات بنیادی در ارزش‌های همه گروه‌های سنی با کمی تغییر از یکدیگر و تغییر دادن ارزش‌های نسل جدید است که به تدریج با نقش‌های بیشتر و رو به افزایش این نسل در حیات اقتصادی-اجتماعی، جایگزین ارزش‌های نسل قبلی می‌شود. البته می‌توان ترکیب فرضیه‌های اول و دوم را نیز در نظر گرفت (همان: ۸۷).

اینگلهارت در کتاب «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» کوشیده است با استفاده از مطالعات متعدد انجام یافته در کشورهای اروپایی و آمریکا در طی سال‌های یاد شده، تحول ارزش‌ها را در جوامع صنعتی مورد بررسی قرار دهد. از نظر او در این جوامع، خواسته‌های انسان‌ها در زندگی دستخوش تحول گردیده است و گرایش به ارزش‌های مادی در نسل گذشته به ارضای این نیازها (غذا، پوشاک، مسکن و ...) در نسل جدید جای خود را به گرایش به ارزش‌های فرامادی داده است. به گفته اینگلهارت «چنین به نظر می‌آید که ارزش‌های مادی/ فرامادی بخشی از نشانگان گسترده گرایش‌هایی است که انگیزش نسبت به کار، فعالیت سیاسی، محیط زیست، انرژی هسته‌ای، نقش دین در زندگانی مردم، احتمال ازدواج و تشکیل خانواده، داشتن بچه، نقش زنان، طلاق و سقط جنین را در بر می‌گیرد. همه این‌ها کاملاً مربوط می‌شوند به این که شخص ارزش‌های مادی یا فرامادی داشته و این که نگرش گروه‌های سنی جوان‌تر با نگرش‌های گروه‌های سنی بزرگ‌تر تفاوت دارد» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷۹؛ همان، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۰۹). در مجموع به این جمع‌بندی می‌رسد که، تفاوت ارزش‌های نسلی بیشتر تحت تاثیر محیط اقتصادی-اجتماعی است که نگرش فرد در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیط اقتصادی-اجتماعی اولویت‌های ارزشی نسل جوان که دوره پیش از بلوغ را پشت سر گذارده، متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود (زارع و دیگری، ۱۳۸۹: ۷۱). از دیدگاه خرد، چگونگی جامعه‌پذیری فرد برای ورود به دوره بلوغ و انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها حایز اهمیت است (فیدر، ۱۹۷۵). در این باره مطالعات متعددی صورت گرفته است (روکیچ، ۱۹۷۳: ۲۲۲-۳۸؛ هوف و دیگری، ۱۳۷۸: ۱۴۵-۶؛ شوارتز و دیگری، ۱۹۹۸ و مور، ۱۹۹۹).

برخی تحقیقات داخلی به اختلافات بسیار جزئی در ترجیحات ارزشی دو نسل جوان و بزرگسال نظر دارند. جلیلی (۱۳۷۷) با تحلیل ثانویه بخشی از داده‌های اولیه فرهنگی، به این نتیجه رسیده است که چیزی به نام شکاف فرهنگی وجود ندارد و در بررسی تفاوت‌های ارزشی نیز تنها تغییرات ناچیزی به چشم می‌خورد که با روندی ثابت و یکسان هر دو نسل جوان (۱۵-۲۴ سال) و سالخورده (۶۵ سال به بالا) را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که این میزان نیز قابل اعتنا نیست. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که فاصله سنی بر اساس ارزش‌های اجتماعی در سال ۱۳۷۴، (پژوهش محسنی)، در مقایسه با سال ۱۳۵۶ (پژوهش اسدی و محسنی) حتی کاهش پیدا کرده است (جلیلی، ۱۳۷۷: ۶۳؛ به نقل از زارع و دیگری، ۱۳۸۹: ۷۲). جلیل‌وند، در تحقیق خود در باب ارزش‌های اجتماعی دو نسل مادران و دختران به این نتیجه رسیده است که تفاوت معناداری بین این دو نسل وجود دارد (جلیل‌وند، ۱۳۷۶). در این باره، تحقیقات دیگری انجام گرفته که هم بر شباهت ارزش‌های اجتماعی بین دو نسل و هم بر تفاوت و تضاد و شکاف تاکید دارند (توکلی، ۱۳۷۸؛ توکلی، ۱۳۸۰؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۷؛ کاشی و دیگری، ۱۳۸۴؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۷ و کاشی و دیگری، ۱۳۷۹).

داریاپور نیز در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت» به این نتیجه رسیده است که از میان ده نوع ارزشی، تفاوت زنان و مردان در نوع‌های ارزشی جهانگرایی (انسان دوستی)، برانگیختگی و لذت‌گرایی معنادار است. ضمن آن که زنان در مقایسه با مردان، اولویت بالاتری برای ارزش‌هایی نظیر عدالت، صداقت، سلامت، استقلال، مذهب و جهان زیبا قائل‌اند و تفاوت آن‌ها با مردان در این موارد معنادار است (داریاپور، ۱۳۸۱).

ملکی نیز در پژوهش «بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان» به این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با ارزش‌های زیباشناختی و ارزش‌های اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد، در حالی که با اولویت‌های ارزش‌های مذهبی رابطه معکوس وجود دارد و درحالی که اولویت‌های ارزشی نوجوانان بیشتر مادی است، اما در این مورد تفاوت معنی‌داری بین نوجوانان طبقات مختلف وجود ندارد (ملکی، ۱۳۷۵). سرانجام، باید به این نکته نیز اشاره کرد که تحقیقات معدودی به اختلافات ارزشی و شکاف بین فرزندان و والدین اشاره دارند (تیموری، ۱۳۷۷ و عباسی، ۱۳۸۰).

پژوهش کلدی و جمشیدی (۱۳۸۴) که درباره تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن صورت گرفت. این تحقیق با روش پیمایشی و در نمونه‌ای به حجم ۲۴۰ نفر که به صورت تصادفی انتخاب شده بود نشان داد که از نظر دانش‌آموزان، بین تشنه ارزشی پرسیده شده بین دو نسل، گروه مرجع بودن پدران برای فرزندان، میزان فردگرایی فرزندان، سبک‌های تربیتی والدین (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه)، بحران هویت فرزندان، تازگی پیام ارزشی از طرف پدران و وضوح در ارزش‌های پدران، با تعارض ارزشی بین پدران - فرزندان رابطه معنی‌داری وجود دارد (کلدی و دیگری، ۱۳۸۴).

پژوهش موحد و عباسی شوازی (۱۳۸۵) با دو هدف بررسی چگونگی نگرش دختران جوان به دوستی معاشرت پیش از ازدواج، و همچنین بررسی رابطه زمینه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری با نگرش دختران به دوستی و معاشرت پیش از ازدواج انجام شده است. این پژوهش به صورت پیمایشی و در میان ۳۶۰ نفر که به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای از دانشجویان دانشگاه انتخاب شده بودند صورت گرفت. نتایج نشان داد که نگرش و سوگیری بیش از نیمی از دختران دانشجو ۵۵/۶ درصد به این گونه دوستی‌ها میانه بوده است. تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که همبستگی نگرش دختران به روابط پیش از ازدواج، با متغیرهای اولویت‌های ارزشی، باورهای دینی، پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان، نگرش خانواده، تحصیلات پدر و مادر، دانشگاه محل تحصیل، و برخی ابزارهای رسانه‌ای، معنادار بوده است؛ در حالی که همبستگی آن با زمان حضور در دانشگاه و به کارگیری ابزارهای رسانه‌ای هم‌چون روزنامه و مجله معنادار نبوده است. تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد که تنها سه متغیر پای‌بندی به ارزش‌های دینی، نگرش دوستان و نگرش خانواده، بر روی هم ۶۰/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که در این میان، موثرترین متغیر، پای‌بندی به ارزش‌های دینی بوده است. به طور کلی، می‌توان گفت اگرچه دگرگونی‌های این گستره از روابط، به سوی ارزش‌های مدرن پیش می‌رود، اما دختران همچنان مانند گذشته میان ارزش‌های سنتی و مدرن سرگردان‌اند (موحد و دیگری، ۱۳۸۵).

یعقوبی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر نگرش دو نسل (مادران - دختران) نسبت به ارزش‌های اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر میاندوآب) انجام داده است. این مطالعه که با روش پیمایشی و نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انجام شده است به نتایجی رسیده که حاکی از تایید فرضیه‌های پژوهشی بصورت زیر می‌باشد. بین فاصله سنی و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد، بین محل سکونت و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد، بین میزان استفاده خانواده‌ها از رسانه‌های جمعی و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد، بین میزان تحصیلات مادران و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد، بین وضعیت اقتصادی و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد، بین میزان رضایت‌مندی دختران و تفاوت‌های نگرشی دو نسل (مادران - دختران) رابطه وجود دارد و اما در نهایت نتیجه‌گیری کرده است که بین دو نسل (مادران - دختران) نسبت به ارزش‌های اجتماعی در شهر میاندوآب تفاوت نگرشی تا حد شکاف نسلی وجود دارد (یعقوبی، ۱۳۸۶).

پژوهش معیدفر (۱۳۸۳) درباره شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران) با داده‌های دو طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال‌های ۷۹ و ۸۲ بررسی شده است، نشان داد تفاوت‌های بین دو نسل در برخی زمینه‌ها وجود دارد. چنان‌چه پاسخ افراد به سوال‌ها در دو سال متفاوت چنین بوده است: از افراد سوال شده بود که ایمان به خدا موجب می‌شود تا انسان راحت با مشکلات کنار

بیاید. در این مورد اختلاف نظر میان نسل‌ها بسیار ناچیز و قابل اغماض بوده (۸۶/۳ درصد در برابر ۹۰/۴ درصد در سال ۷۹ و ۹۶ درصد در برابر ۹۶/۹ درصد در سال ۸۲ و در طی زمان نیز کاهش یافته بود).

### روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر به صورت پیمایشی و از نوع توصیفی-تبیینی است. به لحاظ معیار زمان مطالعه مقطعی بوده و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهناگر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه می‌باشد. برای این منظور بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی، آزمون مقدماتی آن و تهیه پرسشنامه نهایی اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شده است. پرسشنامه تحقیق در برگزیده اطلاعات مربوط به متغیرها و نیز اطلاعات مرتبط با شاخص‌های تعریف شده برای متغیرهای مورد در فرضیه‌ها خواهد بود. پرسشنامه تحقیق حاضر حاوی تعدادی گویه می‌باشد که برای سنجش نظرات پاسخگویان در مورد هر شاخص، از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. پرسشنامه تحقیق شامل تعدادی سوال مربوط به سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی افراد در رابطه با خانواده و ازدواج می‌باشد. تنظیم سوالات پرسشنامه بر مبنای چارچوب نظری تحقیق صورت گرفته است. برای برآورد اعتبار پرسشنامه تحقیق از شیوه سنجش اعتبار صوری استفاده گردیده و برای سنجش مطابقت شاخص‌های مطرح شده در سوالات پرسشنامه با متغیرهای تحقیق، از نظرات اساتید جامعه‌شناسی استفاده گردیده است. برای برآورد میزان پایایی پرسشنامه تحقیق، قبل از اجرای نهایی پرسشنامه، پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری اجرا گردیده و به روش آلفای کرونباخ میزان پایایی آن مورد محاسبه قرار گرفته که میزان آن برابر با ۰/۸۱ به دست آمده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر، دانشجویان واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد که در این سال تحصیلی در رشته‌های تحصیلی مختلف این دانشگاه در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد جامعه آماری (دانشجویان واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳) حدود ۹۶۰۰۰ می‌باشد. حجم دقیق نمونه آماری این تحقیق پس از اجرای مطالعه اولیه در نمونه کوچکی از جامعه آماری شامل حدود ۴۰ نفر و به دست آوردن مشخصه‌های آماری متغیر مورد نظر در فرمول برآورد حجم نمونه آماری، برآورد شده است. حجم نمونه آماری، ۳۸۳ نفر تعیین شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، دو مرحله‌ای می‌باشد. در مرحله اول از روش تصادفی خوشه‌ای برای انتخاب تعدادی از واحدها و مراکز دانشگاهی هم سطح (از نظر درجه واحد) از میان کل واحدها و مراکز دانشگاهی منطقه ۱۳ استفاده شده است. در مرحله دوم از روش تصادفی طبقه‌ای برای انتخاب دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف متناسب با حجم هر یک از این طبقات (تعداد دانشجویان هر رشته و مقطع تحصیلی) استفاده شده است. بدین ترتیب که از دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ و در مقاطع تحصیلی مختلف نسبتی را که متناسب بانسبت نمونه آماری به کل جامعه آماری است انتخاب و گردآوری داده‌ها از این دانشجویان انجام شده است.

## یافته‌های تحقیق

۱/۶ درصد از شهروندان مورد مطالعه در گروه سنی ۲۵ سال، ۷۸/۹ درصد در گروه سنی ۳۵-۲۵ سال، ۱۶/۴ درصد در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال و ۳/۱ درصد از شهروندان مورد مطالعه در گروه سنی ۴۶-۵۵ سال قرار دارند.

۶۳/۴ درصد شهروندان مورد مطالعه مرد و ۳۶/۶ درصد آنان زن می‌باشند.

مقطع تحصیلی ۳۱/۱ درصد شهروندان مورد مطالعه کارشناسی، ۵۹/۳ درصد کارشناسی‌ارشد و ۹/۷ درصد دکترا می‌باشند.

۱۱/۷ درصد دانشجویان مورد مطالعه مجرد و ۸۸/۳ درصد آنان متأهل می‌باشند.

۱. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به ارزش‌های خانواده و ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد ارزش‌های خانواده و ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۱): آماره‌های توصیفی آزمون t مستقل برای متغیرهای مورد مقایسه در فرضیه‌های اول تا نهم

فرضیه	متغیر	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
اول	خصوصیات همسر خوب از دید دانشجویان	۱۳/۳۹	۳۸۳	۱/۷۹	۰/۰۹۲
	نگرش دانشجویان نسبت به خصوصیات همسر خوب از دید والدین	۱۴/۰۷	۳۸۳	۲/۴۶	۰/۱۲۶
	نوع انتخاب همسر از دید دانشجویان	۱۸/۸۱	۳۸۳	۲/۴۴	۰/۱۲۵
دوم	نگرش دانشجویان نسبت به نحوه انتخاب همسر از دید والدین	۱۹/۰۷	۳۸۳	۲/۰۹	۰/۱۰۷
	سن مناسب برای ازدواج از دید دانشجویان	۸/۸۸	۳۸۳	۱/۷۶	۰/۰۹۰
سوم	نگرش دانشجویان نسبت به سن مناسب برای ازدواج از دید والدین	۹/۰۶	۳۸۳	۲/۱۱	۰/۱۰۸
	تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج از دید دانشجویان	۱۰/۱۷	۳۸۳	۲/۴۳	۰/۱۲۵
چهارم	نگرش دانشجویان نسبت به تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج از دید والدین	۱۰/۴۱	۳۸۳	۲/۶۱	۰/۱۳۳
	مکان مناسب برای زندگی برای ازدواج از دید دانشجویان	۱۰/۵۱	۳۸۳	۲/۱۰۱	۰/۱۰۷
پنجم	نگرش دانشجویان نسبت به مکان مناسب برای زندگی برای ازدواج از دید والدین	۱۰/۵۶	۳۸۳	۲/۱۴۷	۰/۱۱۰
	معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج از دید دانشجویان	۹/۸۷	۳۸۳	۱/۲۶۹	۰/۰۶۵
ششم	نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج از دید والدین	۱۰/۱۰	۳۸۳	۱/۹۹۴	۰/۱۰۲
	میزان اهمیت فرزند از دید دانشجویان	۷/۷۶	۳۸۳	۲/۵۶۳	۰/۱۳۱
هفتم	نگرش دانشجویان نسبت به میزان اهمیت فرزند از دید والدین	۸/۹۵	۳۸۳	۲/۰۱۲	۰/۱۰۳
	استفاد زن در بیرون از خانه از دید دانشجویان	۷/۵۶	۳۸۳	۱/۶۷۰	۰/۰۸۵
هشتم	نگرش دانشجویان نسبت به استفاد زن در بیرون از خانه از دید والدین	۷/۵۶	۳۸۳	۱	۰/۰۵۱
	میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای قاعیل پس از ازدواج از دید دانشجویان	۱۳/۱۸	۳۸۳	۱/۳۳۴	۰/۰۶۸
نهم	نگرش دانشجویان نسبت به میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای قاعیل پس از ازدواج از دید والدین	۱۳/۹۸	۳۸۳	۳/۲۲۲	۰/۱۶۵

**جدول شماره (۲): نتایج آزمون t زوجی برای میانگین‌های مورد مقایسه در فرضیه‌های اول تا نهم**

فرضیه	متغیر	تفاوت جفت‌ها		مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		میانگین	انحراف استاندارد			
اول	خصوصیات همسر خوب از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به خصوصیات همسر خوب از دید والدین	-۰/۲۵۸	۲/۰۱۷	-۲/۵۰۹	۳۸۲	۰/۰۱۳
دوم	نوعه انتخاب همسر از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به نحوه انتخاب همسر از دید والدین	-۰/۶۸۷	۲/۱۷۷	-۶/۱۷۳	۳۸۲	۰/۰۰۰
سوم	سن مناسب برای ازدواج از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به سن مناسب برای ازدواج از دید والدین	-۰/۱۷۵	۱/۵۵۰	-۲/۲۰۹	۳۸۲	۰/۰۲۸
چهارم	تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج از دید والدین	-۰/۲۴۶	۱/۶۰۶	-۲/۹۹۱	۳۸۲	۰/۰۰۳
پنجم	مکان مناسب برای زندگی برای ازدواج از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به مکان مناسب برای زندگی برای ازدواج از دید والدین	-۰/۰۴۷	۱/۷۱۲	-۰/۵۳۷	۳۸۲	۰/۵۹۱
ششم	معائرت دختر و پسر قبل از ازدواج از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به معائرت دختر و پسر قبل از ازدواج از دید والدین	-۰/۲۳۲	۲/۰۴۷	-۲/۲۲۲	۳۸۲	۰/۰۲۷
هفتم	میزان اهمیت فرزند از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به میزان اهمیت فرزند از دید والدین	-۱/۱۹۳	۲/۳۲۸	-۱۰/۰۳۲	۳۸۲	۰/۰۰۰
سیزدهم	اشتغال زن در بیرون از خانه از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به اشتغال زن در بیرون از خانه از دید والدین	۰/۰۰۸	۱/۴۲۱	۰/۱۰۸	۳۸۲	۰/۹۱۴
پانزدهم	میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج از دید دانشجویان تکثری دانشجویان نسبت به میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج از دید والدین	-۰/۸۰۷	۲/۷۲۸	-۵/۷۸۷	۳۸۲	۰/۰۱۳

۲. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به خصوصیات همسر خوب و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه اول، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد خصوصیات همسر خوب، از نگرش دانشجویان، مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات

مربوط به میزان اهمیت هر یک از پنج ویژگی مهم در انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در خصوص همین ویژگی‌ها، در مورد همه پنج ویژگی: داشتن خانواده اصیل، مذهبی و دین‌دار بودن فرد، داشتن تحصیلات عالی، نجابت و خوش اخلاق بودن فرد و داشتن ثروت و امکانات مالی، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان اهمیت هر یک از ویژگی‌های تاثیرگذار در امر انتخاب همسر، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به نحوه انتخاب همسر و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه دوم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد نحوه انتخاب همسر از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد. براساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دوجفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هر یک از چهار شیوه در انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در خصوص همین شیوه‌ها، در مورد سه شیوه: انتخاب همسر توسط والدین، انتخاب همسر توسط خود فرزندان و انتخاب همسر توسط خود والدین و سپس مشورت با فرزندان در مورد میزان مطلوبیت شیوه‌های انتخاب همسر، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان اهمیت هر یک از ویژگی‌های تاثیرگذار در امر انتخاب همسر، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در مورد شیوه انتخاب همسر توسط خود فرزندان و سپس مشورت با والدین بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان اهمیت هر یک از ویژگی‌های تاثیرگذار در امر انتخاب همسر، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این شیوه بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۴. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به سن مناسب برای ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه سوم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد سن مناسب برای ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هریک از سه سن و زمان مناسب مطرح شده برای ازدواج از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در خصوص همین شیوه‌ها، در مورد مطلوبیت دو مورد از سه مورد سن و زمان: ازدواج درحین تحصیل در دانشگاه و ازدواج پس از فراغت از تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان مطلوبیت هر یک از سه مورد مطرح شده به عنوان سن و زمان مناسب برای ازدواج فرزندان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در مورد شیوه ازدواج پس از اتمام تحصیلات متوسطه، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان سن و زمان مناسب برای ازدواج تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این شیوه بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۵. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میزان تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه چهارم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آنها در مورد میزان تفاوت سن پسر و دختر در زمان ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هریک از موارد فاصله سنی بین دختر و پسر در زمان ازدواج مطرح شده در تحقیق، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص در مورد مطلوبیت سه مورد از چهار مورد فاصله سنی دختر و پسر: سن پسر بیش از ۵ سال بزرگ‌تر از دختر، سن پسر کمتر از ۵ سال بزرگ‌تر از دختر و سن دختر اندکی بزرگ‌تر از سن پسر بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان مطلوبیت هر یک از سه مورد مطرح شده به عنوان فاصله سنی مناسب بین دختر و پسر در زمان ازدواج، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در مورد عدم وجود فاصله سنی بین دختر و پسر بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان فاصله سنی مناسب بین دختر و پسر در زمان ازدواج، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این فاصله سنی بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۶. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به مکان مناسب برای زندگی پس از ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود ندارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه پنجم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آنها در مورد مکان مناسب برای زندگی پس از ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار نمی‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هریک از مکان‌های مطرح شده در تحقیق به عنوان مکان مناسب برای زندگی زوجین پس از ازدواج، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص، در مورد مطلوبیت سه مورد از چهار مورد مکان مناسب برای زندگی زوجین پس از ازدواج: خانه مجزا در نزدیکی والدین خودتان، خانه مجزا دور از والدین خود و همسرتان و خانه مشترک با والدین‌تان، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان مطلوبیت هر یک از سه مورد مطرح شده به عنوان مکان مناسب برای زندگی زوجین پس از ازدواج، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در مورد خانه مجزا در نزدیکی والدین همسرتان، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان مکان مناسب برای زندگی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت آن بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۷. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه ششم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آنها در مورد معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین

رتبه‌های دوجفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هریک از چهار شیوه و میزان معاشرت بین دختر و پسر قبل از ازدواج، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص، در مورد مطلوبیت هر چهار مورد شیوه و میزان معاشرت بین دختر و پسر قبل از ازدواج، عدم هرگونه معاشرت بین دختر و پسر قبل از ازدواج، معاشرت بین دختر و پسر با همراهی و نظارت والدین و خانواده‌ها، معاشرت بین دختر و پسر بدون همراهی و نظارت والدین و خانواده‌ها به مدت کوتاه و معاشرت بین دختر و پسر بدون همراهی و نظارت والدین و خانواده‌ها به مدت طولانی، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان مطلوبیت هر یک از چهار مورد مطرح شده به عنوان شیوه و میزان معاشرت بین دختر و پسر قبل از ازدواج، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۸. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه هفتم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد میزان اهمیت رضایت والدین برای ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۹. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میزان پذیرش اظهارنظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه هشتم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد میزان پذیرش اظهار نظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

**جدول شماره (۳): آماره‌های توصیفی آزمون ویلکاکسون برای متغیرهای مورد مقایسه در فرضیه‌های دهم تا یازدهم**

فرضیه	متغیر	تعداد	میانگین رتبه	مجموع رتبه‌ها
دهم	اهمیت رضایت والدین برای ازدواج از دید دانشجویان	رتبه‌های مثبت	۱۳۹/۱۵	۳۶۴۵۷
		رتبه‌های منفی	۱۹۱	۴۵۸۴
	نگرش دانشجویان نسبت به اهمیت رضایت والدین برای ازدواج از دید والدین	ارتباط‌ها	۹۷	
		جمع	۳۸۳	
یازدهم	میزان پذیرش اظهار نظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج از دید دانشجویان	رتبه‌های مثبت	۱۰۱/۱۳	۱۴۴۶۱
		رتبه‌های منفی	۱۲۰/۳۴	۸۵۴۴
	نگرش دانشجویان نسبت به میزان پذیرش اظهار نظرها و مشورت‌های ارائه شده از طرف والدین پس از ازدواج از دید والدین	ارتباط‌ها	۱۳۶	
		جمع	۳۸۳	
دوازدهم	نوع اقتدار در خانواده از دید دانشجویان	رتبه‌های مثبت	۸۳/۵	۱۳۸۶۱
		رتبه‌های منفی	۰	۰

			ارتباط‌ها	۲۱۷					
			جمع	۳۸۳					
			رتبه‌های مثبت	۲۴	۶۰/۵	۱۴۵۲			
			رتبه‌های منفی	۷۱	۴۳/۷۷	۳۱۰۸			
			ارتباط‌ها	۲۸۸					سیزدهم
			جمع	۳۸۳					
			رتبه‌های مثبت	۷۲	۹۹/۸۳	۷۱۸۸			
			رتبه‌های منفی	۹۵	۷۲	۶۸۴۰			
			ارتباط‌ها	۲۱۶					چهاردهم
			جمع	۳۸۳					
			رتبه‌های مثبت	۴۷	۲۴	۱۱۲۸			
			رتبه‌های منفی	۰	۰	۰			
			ارتباط‌ها	۳۳۶					پانزدهم
			جمع	۳۸۳					

**جدول شماره (۴): نتایج آزمون ویلکاکسون برای مقایسه میانگین رتبه‌های متغیرهای مورد مقایسه در فرضیه‌های دهم تا پانزدهم**

مقدار Z	سطح معنی‌داری	فرضیه
-۱۱/۶۷۵	۰/۰۰۰	هفتم
-۳/۳۷۳	۰/۰۰۱	هشتم
-۱۲/۱۸۶	۰/۰۰۰	نهم
-۳/۱۳۵	۰/۰۰۲	یازدهم
-۰/۳۰۳	۰/۷۶۲	دوازدهم
-۶/۱۵۸	۰/۰۰۰	چهاردهم

۱۰. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به نوع اقتدار در خانواده و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه نهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد نوع اقتدار در خانواده، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۱۱. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میزان اهمیت فرزند در خانواده و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه دهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد میزان اهمیت فرزند در خانواده از نگرش دانشجویان مورد تایید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو

جفت نمرات مربوط به میزان پذیرش هریک از موارد مطرح شده در تحقیق به عنوان میزان اهمیت وجود فرزند در زندگی خانوادگی، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص، در مورد مطلوبیت دو مورد از سه مورد نحوه برخورد با مساله میزان اهمیت وجود فرزند در زندگی خانوادگی؛ فروپاشی خانواده در صورت عدم وجود فرزند در خانواده و احساس رضایت از عدم وجود فرزند در صورت وجود احساس رضایت در همسر بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان در مورد میزان مطلوبیت هر یک از دو مورد مطرح شده نحوه برخورد با مساله میزان اهمیت وجود فرزند در زندگی خانوادگی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در چشمپوشی از خواسته خود در مورد وجود فرزند به خاطر وجود نقص در همسر، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان نحوه برخورد با مساله میزان اهمیت وجود فرزند در زندگی خانوادگی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این نوع برخورد و مواجهه با این مساله تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۱۲. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به تعداد مطلوب فرزندان و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه یازدهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد تعداد مطلوب فرزندان، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۱۳. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به جنسیت مطلوب فرزندان و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود ندارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه دوازدهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد جنسیت مطلوب فرزندان، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

۱۴. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به اشتغال زن در بیرون از خانه و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود ندارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه سیزدهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد اشتغال زن در بیرون از خانه، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار نمی‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هریک از شیوه‌های مطرح شده بعنوان شیوه مطلوب مواجهه با اشتغال زن در بیرون از خانه، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص، در مورد مطلوبیت دو مورد از سه مورد شیوه مطلوب مواجهه با اشتغال زن در بیرون از خانه: عدم اشتغال زن بیرون از خانه و بی‌تفاوت بودن نسبت به اشتغال زن بیرون از خانه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ولی در مورد ضرورت اشتغال زن بیرون از خانه، بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان شیوه مطلوب مواجهه با اشتغال زن در بیرون از خانه، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این شیوه مواجهه بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

۱۵. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به تعدد زوجات و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه چهاردهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد تعدد زوجات، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد.

۱۶. بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج و نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این مورد، تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون فرضیه پانزدهم، وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه دانشجویان و والدین آن‌ها در مورد میل و رغبت به رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج، از نگرش دانشجویان، مورد تایید قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون ویلکاکسون برای بررسی تفاوت در میانگین رتبه‌های دو جفت نمرات مربوط به میزان مطلوبیت هر یک از شیوه‌های مطرح شده به عنوان شیوه مطلوب رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج، از دیدگاه دانشجویان و نیز نگرش آنان نسبت به دیدگاه والدین خود در این خصوص، در مورد مطلوبیت چهار مورد از پنج مورد شیوه مطلوب رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج: معاشرت دایمی با اکثر اعضای فامیل، معاشرت محدود با اکثر اعضای فامیل، معاشرت محدود با بعضی اعضای محدود فامیل و عدم معاشرت با هیچ یک از اعضای فامیل تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ولی در مورد معاشرت صرفاً با والدین خود و همسر بین دیدگاه دانشجویان و دیدگاه والدین‌شان به عنوان شیوه مطلوب رفت و آمد و دیدار با اعضای فامیل پس از ازدواج، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و میزان مطلوبیت این شیوه معاشرت بین فرزندان و والدین تا حد زیادی یکسان می‌باشد.

### پیشنهاد‌های تحقیق

- با توجه به این که از پانزده شاخص مختلف مورد بررسی در زمینه ارزش‌های خانواده و ازدواج و نگرش دانشجویان به این شاخص‌ها و نیز نگرش آن‌ها نسبت به نظرات والدین‌شان در این موارد، در سیزده مورد بین نگرش دانشجویان و والدین تفاوت مشاهده گردید و تنها در سه مورد بین این دو گروه تفاوتی وجود ندارد، به نظر می‌رسد بایستی در تحقیقی جداگانه به علل و عوامل و ریشه‌های این تفاوت پرداخت.

- نهادهای فرهنگی جامعه بایستی در مورد ارزش‌های خانواده و ازدواج، بحث‌های کارشناسی را در حوزه‌های مختلف و در مباحث مختلف و در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون بین جوانان و والدین طرح نموده و این دو قشر اجتماعی را در معرض تبادل افکار و اندیشه‌ها قرار دهند تا نقاط اختلاف در نگرش‌های آنان به صورت‌های مختلف آشکار شده و با استفاده از مبانی فکری ایرانی-اسلامی و ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از فرهنگ دیرین و تاریخی جامعه ایران به سعی در پیدا کردن راه‌های پرکردن این فاصله‌ها و تفاوت‌ها در نگرش‌های فرزندان و والدین شود.

### منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: انتشارات سمت.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۲). **مبانی نظری انقطاع نسلی: نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه: م. وتر. تهران: انتشارات کویر.
- توکلی، م. (۱۳۷۸). **بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی - تهران.
- توکلی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۵). **شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی. نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۷.
- تیموری، ک. (۱۳۷۷). **بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل موثر بر آن در شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- جلیوند، ش. (۱۳۷۶). **بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) نسبت به ارزش‌های اجتماعی**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی - تهران.
- جلیلی، ه. (۱۳۷۷). **شکاف نسل‌ها، پیش و پس از انقلاب اسلامی**. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۰). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه: م. ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- سگالین، م. (۱۳۷۰). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**. ترجمه: ح. الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- صانعی، پ. (۱۳۵۴). **جامعه‌شناسی ارزش‌ها**. تهران: انتشارات جار.
- عباسی شوازی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۵). **تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران**. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. سال ۷، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- عبدی، ع؛ و دیگری. (۱۳۷۸). **تحولات فرهنگی در ایران**. تهران: انتشارات روشن.
- عظیمی‌هاشمی، م. (۱۳۷۷). **ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌های ارزشی در ایران**. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلدی، ع؛ و دیگری. (۱۳۸۴). **تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن**. **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**. شماره ۹، ص ۱۴۱.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). **تجدد و تشخص؛ هویت شخص در عصر جدید**. ترجمه: ن. موققیان. تهران: نشر نی.
- مانه‌ایم، ک. (۱۳۸۰). **ایدئولوژی و اتوبییا**. ترجمه: ف. مجیدی. تهران: انتشارات سمت.
- معیدفر، س. (۱۳۸۳). **شکاف نسلی یا گسست فرهنگی؛ (بررسی شکاف نسلی در ایران)**. **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۴، صص ۸۰-۵۵.
- مید، م. (۱۳۷۴). **فرهنگ و تعهد، مطالعه‌ای در شکاف نسل‌ها**. ترجمه: ن. فاضلی و دیگری. اراک: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی.
- یعقوبی، ا. (۱۳۸۶). **مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تغییر نگرش دو نسل مادران-دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی، (مطالعه‌ای در شهر میاندوآب)**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران.
- Acock, A. & etal. (1980). Socialization and attribution processes: a actual versus perceived similarity among parents and youth. **Journal of marriage and family**.
- Borgatta, E. & etal. (1992). **Encyclopedia for sociology**. Macmillan Publishing company. New York.
- Cileli, M. & etal. (1998). **Life and value orientations of Turkish university students**. Adolescence. Vol. 33, No. 129.
- Diepstraten, I. & etal. (1999). Talking about my generation, ego and alter images of generations in the Nether Lands Netherlands. **Journal of Social Sciences**. No. 35, P.p: 91-109.